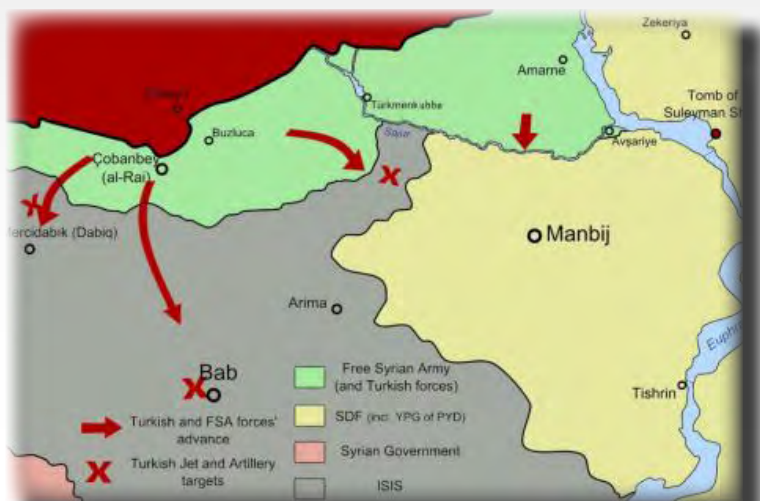




کریم جعفری

چند سال گذشته است. همه این تحولات، موید این نکته است که آنکارا در تلاش است تا اشتباهات گذشته خود را تکرار کند. ترک‌ها از ابتدای سال ۲۰۱۲ تا به امروز، نقش‌آفرینی‌های متفاوتی در سوریه داشته‌اند، این نقش‌آفرینی‌ها شامل حمایت از گروه‌های تروریستی در قالب آموزش، تجهیز، درمان، ایجاد خط امن تدارکاتی و جذب و انتقال نیرو به داخل سوریه بود. در این مرحله ترک‌ها تلاش داشتند تا با آشفته‌کردن اوضاع داخلی سوریه به نظم مورد نظر خود برسند اما ورود بازیگران قدرتمندی مانند ایران و متحدانش به عرصه نبرد، عملاً آنکارا را به شدت زمینگیر کرد. در مرحله بعد، ارتش ترکیه به صورت مستقیم وارد خط نبرد شد و در اشغال شهرهای سراقب و معرالنعمان نقش ایفا کرد تا برای آینده شرایط را فراهم کند. اینجا مجال برای گفتن تاریخ نیست و نگاه ما به آینده است. اما پس از شکست طرح اشغال کامل حلب و تثبیت در این منطقه، ترکیه تلاش کرد تا شمال غرب سوریه را یک دست کند و به همین دلیل به صورت ویژه نیروهایش برای آخرین بار در اشغال ادلب و جسرالشغور حضور پیدا کردند. پس از اتحاد ایران و روسیه در سوریه، ترک‌ها فهمیدند که باید ماست‌ها را برای براندازی دولت مرکزی این کشور کیسه کنند و این اتفاق به هیچ عنوان روی نخواهد داد. با این حال، آنها باز هم دست از تلاش برنداشتند و امیدوار بودند که بتوانند برگه‌هایی برای مذاکره و سهم‌خواهی در آینده این کشور داشته باشند. همه طرح‌های حمله به حلب در قالب جیش الفتح و چند عملیات گسترده در شمال حماه، در همین راستا بود. با مدیریت شدن این حملات و پاکسازی حلب، قدرت گرفتن کردها با حمایت آمریکا در شمال سوریه و تشکیل ائتلاف مبارزه با داعش، ترک‌ها به این نتیجه نهایی رسیدند که باید حالا در

این روزها بسیار از تحرکات، مواضع و احیاناً حملات توپخانه‌ای پراکنده ارتش ترکیه در شمال سوریه شنیده‌اید، اینکه مقامات آنکارا مدام از منبج می‌گویند و با انتقاد از آمریکا، به رویکردهای این کشور در مورد تحولات شمال و شرق سوریه انتقاد دارند. اما طرح‌های ترکیه برای آینده این منطقه چیست؟ آنها به چه می‌اندیشند و در ذهن آنها نسبت به مسائل و رویدادهای آینده چه می‌گذرد؟ دلایل مخالفت ترک‌ها با حضور آمریکا در شمال و شرق سوریه چیست؟ آیا آنها طرحی برای عبور از فرات و قدم گذاشتن در ساحل شرقی دارند؟ آیا آنها راهی منبج می‌شوند؟ این‌ها مجموعه سؤالاتی است که این روزها بسیاری از کارشناسان مسائل سیاسی و نظامی که تحولات سوریه را از نزدیک پیگیری می‌کنند به آن می‌پردازند اما یک واقعیت مهم وجود دارد و آن هم اینکه عموماً کسی به کنه برنامه‌هایی که دولت اردوغان برای این منطقه تدارک دیده، پی نبرده است. برای بررسی بهتر موضوع بهتر است به سابقه حضور ترکیه در سوریه به صورت گذرا اشاره کنیم، این حضور مبتنی بر مراحل مختلفی در



حال کار بر روی مرحله بعدی طرح خود هستند. این طرح بخش‌های متعددی دارد که شاید در یک جمله بتوان آن را خلاصه کرد، عبور از فرات و اشغال شهر منبج. آنچه از رفتارها، اقدامات و گفتار مقامات ترک بر می‌آید، شبیه به عملیات شاخه زیتون است که طی آن موفق به اشغال شهرستان عفرین شدند. برای دولت مرکزی ترکیه، قدرت‌گیری کردهای وابسته به امریکا در شمال سوریه و در امتداد ۶۰۰ کیلومتر از مرزهایش به هیچ



عنوان قابل پذیرش نیست.

این روزها اتفاقات بسیار زیادی در شمال سوریه، از جمله اقدامات برخی از گروه‌های تروریستی و همچنین اقدامات ترک‌های می‌افتد. همه این‌ها حکایت از آماده شدن برای یک دور نبرد دیگر میان ارتش ترکیه و کردها در شمال سوریه دارد، چه اینکه امریکا موافق باشد، چه اینکه نباشد. آنکارا در طول هفته‌ها و ماه‌های گذشته در امتداد مرزهای خود با سوریه در سکوت کامل خبری اقدام به مستقر کردن تجهیزات گسترده نظامی کرده است، آنها می‌خواهند یک نوار امنیتی از جرابلس تا قامیشلو بکشند و همه مسائل حکایت از جدی بودن این طرح دارد. حملات توپخانه‌ای به مواضع کردها، سخنان مطرح شده توسط مسئولان این کشور، آمادگی نظامی برخی از گروه‌های تروریستی و

شروع آموزش گسترده و تجهیز آنها به تسلیحات سنگین، مانند همین گروهک جیش الاسلام و... حکایت از آن دارد اگر کردها عاقلانه رفتار نکنند، شمال سوریه را هم از دست خواهند داد.

همه شواهد و قرائن می‌گوید که ترکیه در صدد است تا اعضای گروهک‌های تروریستی که از غوطه شرقی، جنوب سوریه، قلمون شرقی و شمال حمص در طول ماه‌های گذشته راهی شمال سوریه

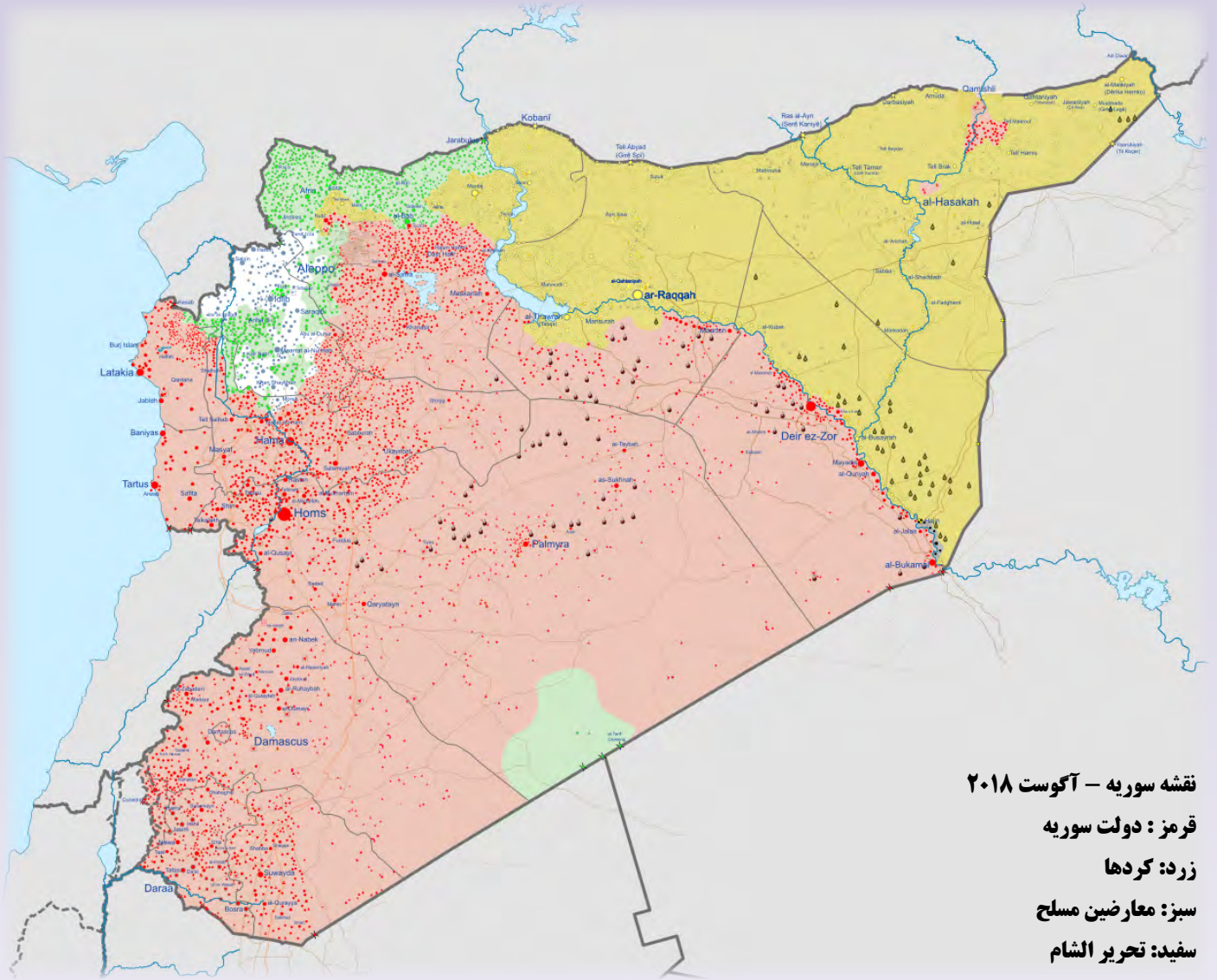
مسیر دیگری وارد عرصه شوند، هدف نهایی آنها سرنگونی نظام حاکم بر سوریه نبود، بلکه آنها دنبال این بودند که مانع از تشکیل یک اقلیم کردی در شمال سوریه شوند و در وهله بعد، جایگاهی برای ده‌ها هزار تروریست دست‌پرورده خود که از سراسر جهان به سوریه آمده‌اند تدارک ببینند. آنچه در طول تقریباً دو سال گذشته از رفتارهای ترکیه در سوریه شاهد هستیم، تقریباً در این دو مقوله می‌گنجد. سران آنکارا برای ورود به این عرصه برنامه درازمدتی را تدارک دیدند که قدم به قدم در حال اجرای آن هستند، اما برخورد با عناصر قدرت در سوریه آنها را به شدت در تنگنا قرار داده است.



نقشه ترک‌ها چند مرحله داشت. مرحله اول، ممانعت از به هم پیوستگی کانتون‌های کردی در شمال سوریه با اشغال ۲۰۰۰ کیلومتر از خاک سوریه ما بین شهرهای جرابلس تا اعزاز و رسیدن به شهر الباب بود. برای این منظور آنها با متحد قدیمی خود وارد جنگی سخت شدند و پس از چند هفته موفق به اشغال شهر الباب در خلال عملیات سپر فرانت شدند. مرحله بعد ترک‌ها تلاش کردند تا گروه‌های کردی را از شمال غرب حلب یا همان منطقه عفرین اخراج کنند. پس از چند ماه کار خبری و رسانه‌ای و روانی با علم کردن مبارزه با تروریست‌های پ‌ک‌ک، این منطقه را نیز در عملیاتی موسوم به شاخه زیتون به اشغال خود درآوردند. در حالی که اگر کردها اندکی درایت داشتند این مناطق را به دولت مرکزی سوریه تحویل می‌دادند اما سرسپردگی آنها به امریکا مانع از این کار شد.

سومین برنامه ترک‌ها، تثبیت گروه‌های تروریستی در شمال غرب سوریه بود. این منطقه که با وسعت بسیار کم از چگالی بسیار زیادی از تروریست‌ها برخوردار بود، بر اساس طرح تهران، مسکو و دمشق باید پاکسازی می‌شد. سران آنکارا در





نقشه سوریه – آگوست ۲۰۱۸

قرمز: دولت سوریه

زرد: کردها

سبز: معارضین مسلح

سفید: تحریر الشام

داشت. آنچه هم از حملات توپخانه‌ای این روزها بر می‌آید، صرفاً تست کردن امریکایی‌ها و دادن هشدارهای لازم در این مورد است. اما یک مساله مهم دیگر که می‌ماند، موضع‌گیری دمشق است. به باور آنکارا، دولت مرکزی سوریه به همه آنهایی که در خاک این کشور حضور دارند به چشم اشغالگر نگاه می‌کند و این اشغالگر به جای آن، چندان توفیری نمی‌کند. مسکو هم شاید رضا داشته باشد که نیروهای مورد حمایت امریکا تحت فشار قرار بگیرند.

موضوع آخر که بر آن هستم به آن اشاره داشته باشم، فعالیت گسترده سازمان امنیت ترکیه میان عشایر عرب منطقه است. در طول دو هفته گذشته ما شاهد بروز اختلافات میان عشائر شهر رقه و کردها بودیم که در پی ترور یکی از شیوخ این منطقه صورت گرفت. این شیخ عرب به وسیله واحد امنیت کردها به ضرب گلوله کشته شد تا عاملی برای بروز اختلافات گسترده باشد. از آنجایی که کردها در عمق ۴۰ کیلومتری مرز عملاً هیچ حضور تاریخی و دموگرافی ندارند، به همین علت هم در شهرهای بیشتر عرب در عمق خاک سوریه، به‌ویژه ساحل فرات همواره چندان مورد پذیرش قرار نمی‌گیرند. آنکارا انتظار دارد با شروع جنگ پیش‌رو، بخشی از عشایر عرب از ائتلاف با کردها رویگردان شوند.

شده‌اند را به سمت شرق فرات براند و از آنها به‌عنوان نیروی رزمی در قبال کردهای مورد حمایت امریکا استفاده کند. چند ماه پیش ترکیه، عربستان و امریکا توافق کرده‌اند تا اعضای گروهک جیش الاسلام در منبج مستقر شوند که با مخالفت کردها و ساکنان شهر مواجه شد. چند هفته پیش عصام البویضانی به همراه سایر سرکرده‌های جیش الاسلام سفری تفریحی و امنیتی به ترکیه داشتند و توافقات متعددی در این مورد صورت گرفت. از ابعاد دقیق این توافق خبر در دست نیست، اما مشخصاً قرار گرفتن دوباره تسلیحات سنگین و همچنین یگان‌بندی نیروهای این گروهک نشان از آمادگی آنها برای شروع عملیات جدیدی دارد. اینکه دیگر گروهک‌ها چه خواهند کرد، باید منتظر روزهای آینده ماند.

ترک‌ها بر این باور هستند که امریکایی‌ها چندان مخالفتی با عملیات آنها در شمال سوریه نخواهند کرد. این را از تجربه شمال سوریه و حمله به عفرین می‌گویند. به باور آنها، واشنگتن در طول سال‌های گذشته به اندازه کافی آنکارا را بازی داده است. اینکه این بازی تا به‌کی ادامه پیدا خواهد کرد خود نکته‌ای است. به باور اردوغان، در صورت ورود ارتش ترکیه و ده‌ها هزار تن از عناصر مسلح وابسته به این کشور به شرق فرات، امریکا هیچ کاری جز نگاه کردن نخواهد